**مقدمه**

با گسترش شرکت‌های سهامی و جدایی مدیریت از مالکیت، به دلیل همسو نبودن منافع مدیران با مالکان و اعتباردهندگان، عدم تقارن اطلاعاتی میان آن‌ها به‌وجود آمد. برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی راهکارهای مختلفی ارائه شده است که ازجمله‌ی آن‌ها می‌توان به محافظه‌کاری حسابداری، کوتاه‌تر شدن سررسید بدهی‌ها و استقرار نظام راهبری شرکتی قوی اشاره کرد. محافظه‌کاری با شناسایی به‌موقع زیان‌ها باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و به مالکان کمک می‌کند که بهتر و به هنگام تر بتوانند در مورد انتخاب یا برکناری مدیران تصمیم‌گیری نمایند [16،10]. از طرفی، هنگامی که شرکت از بدهی‌های کوتاه‌مدت برای تأمین مالی استفاده می‌کند نظارت اعتباردهندگان بر عملکرد مدیران افزایش‌یافته و بنابراین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های نمایندگی کاهش می‌یابد [33،27،23،21]. تقاضا برای حسابداری محافظه‌کارانه در شرکت‌هایی که از بدهی کوتاه‌مدت برای تأمین مالی استفاده می‌کنند کمتر از شرکت‌هایی است که از بدهی‌های بلندمدت استفاده می‌نمایند [16،33]. از طرفی، استقرار نظام راهبری شرکتی قوی نیز می‌تواند منجر به کنترل و نظارت بهتر مالکان بر عملکرد مدیران شرکت گردد و عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد [10،18،30].

یکی از معیارهای سنجش عملکرد مدیریت شرکت، رشد فروش شرکت است. این معیار می‌تواند به مالکان برای انتخاب مدیران کارآمد کمک نماید. رشد شرکت از دید بازار سرمایه و مدیریت، مقوله‌ی مهمی است و می‌تواند بر رفتار مدیریتی و گزارشگری مدیران تأثیرگذار باشد. بنگاه‌ها به‌منظور اجرای پروژه‌های سودآور و دستیابی به حداکثر بازدهی در جهت افزایش منافع سهامداران خود، از منابع مالی مختلف بهره می‌گیرند. توانایی بنگاه‌ها در مشخص نمودن منابع داخلی یا خارجی برای فراهم کردن سرمایه از عوامل اصلی رشد و پیشرفت آن‌ها محسوب می‌شود. توانایی یک بنگاه در دسترسی به تأمین مالی خارجی عاملی کلیدی در توسعه، رشد و بقای آن است [4].

با گسترش شرکت‌های سهامی و جدایی مدیریت از مالکیت، به دلیل همسو نبودن منافع مدیران با مالکان و اعتباردهندگان، عدم تقارن اطلاعاتی میان آن‌ها به‌وجود آمد. برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی راهکارهای مختلفی ارائه شده است که ازجمله‌ی آن‌ها می‌توان به محافظه‌کاری حسابداری، کوتاه‌تر شدن سررسید بدهی‌ها و استقرار نظام راهبری شرکتی قوی اشاره کرد. محافظه‌کاری با شناسایی به‌موقع زیان‌ها باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و به مالکان کمک می‌کند که بهتر و به هنگام تر بتوانند در مورد انتخاب یا برکناری مدیران تصمیم‌گیری نمایند [16،10]. از طرفی، هنگامی که شرکت از بدهی‌های کوتاه‌مدت برای تأمین مالی استفاده می‌کند نظارت اعتباردهندگان بر عملکرد مدیران افزایش‌یافته و بنابراین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های نمایندگی کاهش می‌یابد [33،27،23،21]. تقاضا برای حسابداری محافظه‌کارانه در شرکت‌هایی که از بدهی کوتاه‌مدت برای تأمین مالی استفاده می‌کنند کمتر از شرکت‌هایی است که از بدهی‌های بلندمدت استفاده می‌نمایند [16،33]. از طرفی، استقرار نظام راهبری شرکتی قوی نیز می‌تواند منجر به کنترل و نظارت بهتر مالکان بر عملکرد مدیران شرکت گردد و عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد [10،18،30].

یکی از معیارهای سنجش عملکرد مدیریت شرکت، رشد فروش شرکت است. این معیار می‌تواند به مالکان برای انتخاب مدیران کارآمد کمک نماید. رشد شرکت از دید بازار سرمایه و مدیریت، مقوله‌ی مهمی است و می‌تواند بر رفتار مدیریتی و گزارشگری مدیران تأثیرگذار باشد. بنگاه‌ها به‌منظور اجرای پروژه‌های سودآور و دستیابی به حداکثر بازدهی در جهت افزایش منافع سهامداران خود، از منابع مالی مختلف بهره می‌گیرند. توانایی بنگاه‌ها در مشخص نمودن منابع داخلی یا خارجی برای فراهم کردن سرمایه از عوامل اصلی رشد و پیشرفت آن‌ها محسوب می‌شود. توانایی یک بنگاه در دسترسی به تأمین مالی خارجی عاملی کلیدی در توسعه، رشد و بقای آن است [4].